



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۳ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۴۸

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الثانی: غسل الیدین - الثالث: مسح الرأس

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۵۱۳: «إذا شكَّ في شيء أنه من الظاهر حتى يجب غسله أو الباطن فلا، الأحوط غسله إلا إذا كان سابقاً من الباطن و شك في أنه صار ظاهراً أم لا، كما أنه يتعين غسله لو كان سابقاً من الظاهر ثم شك في أنه صار باطناً أم لا»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر در رابطه با عضوی شک شود که از ظاهر بدن است تا شستن آن واجب باشد یا از باطن است تا شستن آن لازم نباشد، احتیاط واجب این است که باید آن را بشوید مگر اینکه قبلاً از باطن بدن بوده است و شک شود که ظاهر شده است یا ظاهر نشده است [که در این صورت شستن آن لازم نیست]، کما اینکه اگر سابقاً از ظاهر بدن بوده است سپس شک شود که باطن شده است یا باطن نشده است، شستن آن متعین است [، یعنی واجب است که آن را بشوید].

مسأله مذکور، سه فرض دارد:

فرض اول، اینکه اگر در رابطه با عضوی شک شود [، یعنی ابتداءً شک شود] که از ظاهر بدن است تا شستن آن واجب باشد یا از باطن است تا شستن آن لازم نباشد، احتیاط واجب این است که باید آن را بشوید.

فرض دوم، اینکه اگر عضو مشکوک، قبلاً از باطن بدن بوده است و شک شود که ظاهر شده است یا ظاهر نشده است [که در این صورت شستن آن لازم نیست].

فرض سوم، اینکه اگر عضو مشکوک، سابقاً از ظاهر بدن بوده است سپس شک شود که باطن شده است یا باطن نشده است، شستن آن متعین است [، یعنی واجب است که آن را بشوید].

مرحوم سید (ره) فرموده است که در صورتی که در رابطه با عضوی شک شود که از ظاهر بدن است یا از باطن بدن است، احتیاط واجب این است که عضو مشکوک شسته شود و دلیل این حکم، قاعده اشتغال است «الإشتغال اليقینی يستدعي البرائة اليقينية» زیرا ذمه شخص به تکلیف مشغول بوده است و شخص به اشتغال ذمه اش یقین دارد، اکنون شک دارد که اگر عضو مشکوک را نشوید، ذمه اش بری خواهد شد یا برائت ذمه برای او حاصل نخواهد شد که در این صورت برای اینکه به برائت ذمه یقین پیدا کند، باید عضو مشکوک را بشوید. یا اینکه از باب تمسک به اصاله بقاء الحدث به وجوب شستن شیء مشکوک حکم می شود.

شبهه در مانحن فیه یا شبهه مفهومیه است یا شبهه مصداقیه است.

تفاوت شبهه مفهومیه و شبهه مصداقیه این است که در شبهات مفهومیه، حکم، محل تردید است، مثلاً در «اکرم العلماء و لاتکرم الفساق»، شک است که آیا فاسق بر مرتکب کبیره اطلاق می شود یا بر اعم از مرتکب کبیره و صغیره اطلاق می شود، ولی در شبهات

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۸.

مصدقیه، شک در مصداق خارجی است، یعنی شخص، مفهوم فاسق را می‌داند و می‌داند که فاسق به کسی اطلاق می‌شود که گناه کبیره را مرتکب شده است، لکن شک دارد که فلان شخص گناه کبیره مرتکب شده است تا فاسق باشد یا مرتکب نشده است. آیت الله خویی (ره) فرموده است که در مانحن‌فیه اگر شبهه، شبهه مفهومی باشد احتیاط واجب این است که عضو مشکوک شسته شود [، یعنی از باب احتیاط به وجوب غسل عضو مشکوک حکم می‌شود] چون مقتضای اطلاقات و عمومات وجوب غسل [از رستگاه مو تا شانه در صورت و از آرنج تا سر انگشتان در دست‌ها] است مگر آن موضعی از صورت و دست‌ها که تحت عنوان باطن قرار بگیرد و مفهوماً به آن جوف گفته شود که در این صورت غسل آن واجب نیست بنابراین، در موردی که موضع مورد نظر، مشکوک است و انسان نمی‌داند که از ظاهر است تا شستن آن واجب باشد یا از باطن است تا شستن آن واجب نباشد، مقتضای اطلاقات و عمومات این است که باید احتیاط شود لذا شستن آن موضع مشکوک، واجب است.

منظور مرحوم سید (ره) از شبهه مورد نظر در مانحن‌فیه، شبهه مفهومی نیست، بلکه شبهه مصدقیه مراد ایشان است که شبهه مصدقیه چند قسم دارد؛

اول، اینکه مشکوک، حالت سابقه دارد و آن حالت سابقه، این است که مشکوک قبلاً از ظاهر بوده است لذا شستن آن واجب بوده است و اکنون شک شده است که از ظاهر است تا شستنش واجب باشد یا از باطن است تا شستن آن لازم نباشد که مرحوم سید (ره) فرموده است که در این صورت بقاء حالت سابق استصحاب می‌شود در نتیجه، شستن موضع مشکوک واجب است.

دوم، اینکه مشکوک، حالت سابقه دارد و آن حالت سابقه، این است که مشکوک قبلاً از باطن بوده است لذا شستن آن لازم نبوده است و اکنون شک شده است که از ظاهر است تا شستن آن واجب باشد یا از باطن است تا شستن آن لازم نباشد که مرحوم سید (ره) فرموده است که در این صورت بقاء حالت سابقه استصحاب می‌شود در نتیجه، شستن موضع مشکوک لازم نیست.

سوم، اینکه مشکوک، حالت سابقه نداشته باشد، یعنی شکی که برای مکلف پیش آمده است، شک بدوی و ابتدایی است که در این صورت به عدم وجوب غسل موضع مشکوک حکم می‌شود و این حکم مبتنی بر جریان اصل عملی در اعدام ازلیه است، یعنی روزی روزگاری موضع مشکوک، وجود نداشته است لذا جزء ظاهر محسوب نمی‌شده است و اکنون که وجود پیدا کرده است، شک شده است که از ظاهر است یا از باطن است همان عدم سابق استصحاب می‌شود لذا شستن آن واجب نیست. این استصحاب از قبیل استصحاب جاری در قسم دوم است که در قسم دوم حالت سابقه مشکوک این است که سابقاً از باطن بوده است و بعداً شک شده است که از ظاهر است یا از بدن است که همان حالت سابقه، یعنی باطن بودن استصحاب می‌شود با این تفاوت که در صورت دوم، مشکوک سابقاً موجود بوده است و به عدم کونه من الظاهر متصف بوده است لذا همان عدم کونه من الظاهر استصحاب می‌شود، ولی در صورت سوم، مشکوک سابقاً موجود نبوده است و در صورت شک، همان عدم کونه موجوداً استصحاب می‌شود.

الثالث: مسح الرأس

الثالث: «مسح الرأس بما بقى من البلّة فی الید و یجب أن یکون علی الرّبع المقدّم من الرأس، فلا یجزئ غیره و الأولى و الأحوط الناصیه و هی ما بین البیاضین من الجانیین فوق الجبهه و یکفی المسمی و لو بقدر عرض إصبع واحدة أو أقل و الأفضل بل الأحوط أن یکون بمقدار عرض ثلاث أصابع، بل الأولى أن یکون بالثلاث و من طرف الطول أيضاً یکفی المسمی و إن کان الأفضل أن یکون

بَطُولِ إِصْبَعٍ وَ عَلَى هَذَا فَلَوْ أَرَادَ إِدْرَاكَ الْأَفْضَلِ يَنْبَغِي أَنْ يَضَعَ ثَلَاثَ أَصَابِعٍ عَلَى النَّاصِيَةِ وَ يَمْسَحُ بِمَقْدَارِ إِصْبَعٍ مِنَ الْأَعْلَى إِلَى الْأَسْفَلِ وَ إِنْ كَانَ لَا يَجِبُ كَوْنُهُ كَذَلِكَ، فَيَجْزِي النِّكَاسُ وَ إِنْ كَانَ الْأَحْوَطُ خِلَافَهُ»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، سومین مورد از افعال وضو، مسح سر به وسیله رطوبتی است که در دست باقی مانده است و واجب است که مسح سر بر یک چهارم از سر که در جلو سر است، باشد، پس مسح بر غیر آن کفایت نمی‌کند.

دلیل حکم مذکور

دلیل اصل وجوب مسح سر این است که بین مسلمانان در این رابطه اختلافی نیست و وجوب مسح سر را از ضروریات دین دانسته‌اند.

صاحب جواهر (ره)، فرموده است که وجوب مسح سر، کتاباً، سنّةً و اجماعاً متفق بین مسلمین است و در این رابطه هیچ اختلافی بین مسلمین نیست.

آیه شریفه ذیل نیز بر وجوب مسح سر دلالت دارد:

«... وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۲.

بنابراین، در اصل وجوب مسح سر به عنوان فعل سوم از افعال وضو، تردیدی نیست و سخن در بعضی از خصوصیات مسح است.

معروف بین امامیه این است که مسح باید با رطوبت آب وضو انجام شود و مسح به آب غیر وضو [آب جدید] جایز نیست.

به ابن جنید نسبت داده شده است که ایشان معتقد است که استفاده از آب غیر وضو برای مسح اشکالی ندارد، اما از آنچه در کلمات

ابن جنید آمده است، معلوم می‌شود نسبت مذکور به ایشان صحیح نیست زیرا ابن جنید گفته است که اگر رطوبتی در دست باقی

نباشد، چه آن رطوبت با حالت اختیار از بین رفته باشد و چه با حالت غیر اختیار از بین رفته باشد، مسح با آب غیر وضو جایز

است. بنابراین، ابن جنید مسح به آب غیر وضو را در فرض وجود رطوبت در دست و بقیه اعضاء وضو، اجازه نداده است.

روایاتی نیز وارد شده‌اند که بر مبنای مشهور [لزوم مسح بر جلو سر] دلالت دارند که، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. «المائدة»: ۶.